

درآمدی بر ساختار روایت قصه‌های قرآن

با نگاهی به قصه اصحاب کهف

دکتر علی اصغر غلام‌ضایی



مجلس شورای اسلامی ایران



انتشارات دانشکده صدا و سیما

سرشناسه: غلامرضایی، علی اصغر، ۱۳۴۳-

عنوان و پدیدآور: درآمدی بر ساختار روایت قصه‌های قرآن - علی اصغر غلامرضایی.

مشخصات نشر: تهران: دانشکده صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰.

مشخصات نشر: قم: صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری: ۲۸۰ ص.

شابک: دانشکده صدا و سیما 978-964-8857-70-2

شابک: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما 978-964-514-202-3

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع: قرآن - قصه‌ها - نقد و تفسیر

موضوع: قرآن - مسائل ادبی

موضوع: روایتگری - جنبه‌های قرآنی

موضوع: وصف - جنبه‌های قرآنی

شناسه افزوده: صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهش‌های اسلامی.

شناسه افزوده: دانشکده صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.

رده بندی کنگره: ۲۴۱۳۹۰ پ ۸۲/۸ BP

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۵۳

شماره کتابشناسی ملی: ۳۳۲۴۳۱



مجلس شورای اسلامی ایران



انتشارات دانشکده صدا و سیما

درآمدی بر ساختار روایت قصه‌های قرآن

با نگاهی به قصه اصحاب کهف

تألیف: دکتر علی اصغر غلامرضایی

صفحه‌آرایی: اکرم سعادت بی‌زهر

بازخوانی نهایی: ابراهیم حقیقی

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: زلال کوثر

قیمت: ۷۰۰۰ تومان

چاپ اول: ۱۳۹۰

شابک: دانشکده صدا و سیما ۹۷۸-۹۶۴-۸۸۵۷-۷۰-۲

مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما ۹۷۸-۹۶۴-۵۱۴-۲۰۲-۳

کلیه حقوق این اثر متعلق به معاونت آموزش و پژوهش صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران است.

تهران - خیابان ولی عصر (عج)، ابتدای بزرگراه نیایش - دانشکده صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.

معاونت پژوهشی ۲۲۰۱۴۵۲- انتشارات (تلفن و دورنگار) ۲۲۶۵۲۸۴۴- فروشگاه ۲۲۱۶۸۶۲۰

قم - بلوار امین مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما تلفن و دورنگار: ۰۲۵۱-۲۹۱۵۵۱۰-۱۱

www.iribu.ir

إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْقَصَصُ الْحَقُّ (آل عمران: ۶۲)

فَأَقْصَصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ (اعراف: ۱۷۶)

اهمیت پژوهش در داستان‌های قرآن تا آن جایی است که نگارش، تفسیر و تدوین درباره آن از سده‌های اول اسلامی تاکنون مورد توجه عالمان و مؤلفان دینی بوده است. ویژگی‌های هنری قصه‌های قرآن و نحوه استفاده از آن، انواع داستان‌پردازی و عناصر روایت داستانی چون سبک داستان‌پردازی، زمان، مکان، شخصیت‌پردازی، گفتگو، رویداد، تعلیق و ارتباط آنها با یکدیگر در کنار اهداف داستان‌پردازی و تصویرگری حقایق و معارف دینی از جمله مباحث علمی است که در اثر حاضر بررسی شده است.

کنکاش در فهم زبان قرآن و استخراج نظریه فراگیر و قابل آزمون بر داستان‌های قرآن کاری است که محقق تلاش کرده است تا با استعانت از مدد الهی و برکات قرآن به آن دست یازد. دوری و نزدیکی دیدگاه‌های زبان‌شناسی درباره داستان نیز از نظریه «روایت قرآنی» به دوری و نزدیکی نظرات انسان درباره انسان، و خداوند درباره انسان بازمی‌گردد. تکیه بر نحوه آفرینش، سرشت و نوع خلقت انسان از سوی خالق و تبعیت فهم زبانی و قوانین فردی - اجتماعی از آن، هسته مرکزی نظریه فوق خواهد بود.

بر این اساس تفاوت اساسی داستان قرآن با دیگر انواع ادبیات در بهره‌گیری هوشیارانه از عناصر داستان در عین دوری از غلطیدن در خیالات داستان بشری، اتصال اهداف و مضامین بلند قرآن با طرح داستان و عناصر مهمی چون گفتگو، شخصیت‌پردازی و...، مانایی و جاودانگی عصری مضامین قرآن، خلق اسلوب‌های جدید داستان‌پردازی، فاصله‌گذاری و پرورش نوعی تخیل هنرمندانه و بالاخره تکرار محتوای داستان در زوایای دید مختلف، از اصلی‌ترین جنبه‌های روایی قرآن است.

در فصل پایانی با نگاه به دیدگاه مفسران و اندیشمندان، ساختار روایی «نص»
اصحاب کهنه به عنوان نمونه بررسی شده است.

نویایی تلاش در راه بازشناسی وجوه روایی قصص قرآن سبب خواهد شد تا اثر
پیش روی گامی کوچک و احیاناً دارای خطا باشد. از محققان و صاحب نظران امید
استعانت و راهنمایی است و نیز از کسانی که مرا در تألیف اثر حاضر یار و همراه
بوده اند به خصوص دوستان گرامی و دانشمند جناب آقای دکتر شهباز و جناب آقای
دکتر گودرزی و نیز جناب آقایان معصومی و حقیقی بسیار سپاسگزار و قدردانم.

و ما توفیقی الا بالله

مهرماه ۱۳۹۰

علی اصغر غلامرضایی

www.ketab.ir

فهرست مطالب

پیش‌گفتار	۱۳
فصل اول: مدل تحلیلی قصه‌های قرآن کریم	۱۹
راهبردهای پوزیتیویستی از فهم زبان قرآن	۳۲
دیدگاه خلف‌الله	۳۳
دیدگاه خولی	۳۴
نقد آراء مطرح‌شده	۳۶
رهافت‌های زبان‌شناسی درباره روایت	۴۱
مبانی فلسفی حاکم بر هنر دینی و قصه‌های قرآنی	۴۳
فطرت	۴۸
معنای واژه فطرت	۴۹
ویژگی‌های فطرت	۵۰
روش‌های اثبات فطرت	۵۰
تأثیر عامل فطرت در تکوین شخصیت انسان	۵۱
عام و جهانی بودن فطرت و رسالت انبیاء	۵۲
ابعاد فطرت	۵۴
عوامل شکوفایی جامعه	۵۷
فصل دوم: تفاوت قصه‌های قرآنی با قصه‌های بشری	۶۵
مفهوم شناسی داستان	۶۹

۷۰	تعریف داستان
۷۲	مفهوم قصه در قرآن
۷۵	انواع قصه‌های قرآن
۸۰	وجوه تفاوت قصه‌های قرآن با قصه‌های بشری
۱۰۹	فصل سوم: قرآن و عناصر قصه‌های آن
۱۱۱	عناصر قصه‌های قرآنی
۱۱۳	۱. پی‌رنگ
۱۱۶	۲. شخصیت
۱۳۴	۳. گفت‌وگو
۱۴۴	۴. حادثه (رخداد)
۱۴۶	۵. مکان
۱۴۹	۶. زمان
۱۵۳	۷. کشمکش
۱۵۵	۸. درنگ و تأخیر
۱۵۶	۹. غافلگیری، تشویق، تعلیق
۱۵۹	فصل چهارم: تصویرآفرینی در قصه‌های قرآن
۱۶۱	تصاویر محسوس قرآن
۱۶۲	تصویر و تشبیه معقول به محسوس
۱۶۲	اقسام تصویرآفرینی در قرآن
۱۷۳	صحنه‌پردازی در قصه‌های قرآن
۱۷۴	صحنه‌پردازی بهشت و دوزخ
۱۷۵	صحنه‌پردازی از دنیا
۱۷۷	انتقال صحنه در قصه‌های قرآن
۱۷۹	فصل پنجم: بررسی عناصر قصه اصحاب کهف
۱۸۱	شان نزول سوره کهف
۱۸۴	طرح داستانی

۱۸۴	اعمال و وقایع موجود در قصه اصحاب کهف
۱۸۶	نتیجه‌گیری مقدماتی
۱۸۷	عمل کامل در داستان اصحاب کهف
۱۸۷	آغاز
۱۸۷	میانه
۱۸۹	پایان
۱۹۰	داستان اصحاب کهف و مناسبات علت و معلولی
۱۹۰	معجزه
۱۹۰	انواع معجزات موجود در قصه اصحاب کهف
۱۹۱	تلاش در همه فهم کردن معجزات تا جای ممکن، در قصه اصحاب کهف
۱۹۲	تغییرات ناگهانی، شناسایی و فاجعه
۱۹۳	تغییرات ناگهانی، شناسایی و فاجعه در داستان اصحاب کهف
۱۹۷	گره افکنی، گره‌گشایی و نقطه اوج؛ تعلیق و بحران
۱۹۸	گره افکنی، گره‌گشایی و نقطه اوج؛ تعلیق و بحران در داستان اصحاب کهف
۲۰۱	زمان
۲۱۳	مکان
۲۱۸	شخصیت
۲۳۲	گفت‌وگو
۲۳۶	ویژگی‌های گفت‌وگوهای موجود در داستان اصحاب کهف
۲۴۲	کشمکش و نظری بر گره‌افکنی، بحران و تعلیق
۲۴۲	تعلیق، بحران و کشمکش؛ و انواع آن در داستان اصحاب کهف
۲۴۶	درونمایه یا زمینه فراگیر، موضوع و پیام
۲۴۸	درونمایه، موضوع و پیام در داستان اصحاب کهف
۲۵۱	پیوست
۲۶۷	فهرست منابع
۲۷۶	فهرست اعلام

پیش‌گفتار

عمر قصه و قصه‌گویی به اندازه عمر پیدایش زبان و گویایی انسان است. شرح جنگ‌ها و تکاپوهای پدران، قصه‌های مادران، قصه‌گویی‌های دربار پادشاهان و نقالی افسانه‌گویان و حکایت‌پردازان و پرده‌خوانان نشان می‌دهد که زندگی انسان هیچ‌گاه از «قصه» تهی نبوده است. (پورخانی، ۱۳۷۱: ۱۷)

نظام‌الدین نیشابوری، تفسیرنگار قرن هشتم می‌نویسد: «گاه انسان معنایی را برای بیان در نظر می‌گیرد که میزان تأثیر و قله‌رو و فهم آن را نمی‌داند، ولی وقتی آن را با مثالی همراه می‌سازد - به‌ویژه در مقام موعظه و ارشاد که از سرگذشت پیشینیان کمک می‌گیرد - درمی‌یابد که سخنش طبق خواستش، تأثیرگذار بوده‌است. دلیل آن، همان سرشت انسان است که از زیبایی‌ها یا کمالاتی که حس می‌کند، الگو می‌گیرد. اگر مطلبی به تنهایی یاد شود، عقل آن را درمی‌یابد، ولی نیروی وهم با آن می‌ستیزد و در برخورد نخست می‌کوشد آن را نپذیرد، اما هنگامی که با شاهی گویا از احوال گذشتگان همراه باشد و اسباب به‌وجودآورنده و نتایج به‌دست‌آمده آن یاد شود، نفس بهتری آن را می‌پذیرد، از این‌رو در نفس، اثرگذارتر و پذیرفتنی‌تر خواهد بود؛ بنابراین ذکر داستان‌ها و مثال‌های فراوان در قرآن ضروری است؛ چرا که قرآن نازل شده است تا همه چیز را روشن سازد و مایه هدایت و رحمت برای جهانیان باشد.» (معرفت، ۱۳۸۷: ۶)

«آدمی از همان دوران کودکی، شیفته شنیدن قصه و خواندن داستان است. این شیفتگی به سبب علاقه‌ای است که انسان نسبت به سرنوشت قهرمانان و شخصیت‌های داستان‌ها دارد، زیرا او می‌خواهد ببیند آیا او نیز از خصلت‌های این شخصیت‌ها برخوردار

است؟ از این رو، داستان‌نویس به منظور ارشاد و هدایت جامعه و یا تحول و رشد اندیشه و بالا بردن سطح افکار انسان‌ها از ابزار داستان بهره می‌گیرد و به نوشتن داستان‌های اجتماعی، اخلاقی، عرفانی، عشقی و مانند آن می‌پردازد. (بستانی، ۱۳۷۶: ۱۰)

داستان در عرصه فرهنگ‌ها و تمدن‌های بشری جایگاه ویژه‌ای دارد و ابزار مناسبی است برای انتقال آرمان‌ها، تجربه‌ها، اندیشه‌ها و مفاهیم انسانی در طول اعصار، ادیان آسمانی، به ویژه مکتب حیات‌بخش اسلام، نیز برای موضوع داستان اهمیت خاصی قائل شده‌اند، به طوری که بخش عظیمی از آیات الهی قرآن کریم (حدود یک ششم) به روایت سرگذشت‌ها و سرنوشت‌های واقعی امت‌ها و اشخاص اختصاص دارد. بنابراین، تأثیر قصه‌های قرآن، حقیقی و آموزنده است.

اگر داستان، گزارش از واقعیت‌ها باشد، در تربیت اخلاقی شنوندگان تأثیر به‌سزایی دارد؛ زیرا با شنیدن گزاره‌ها حالتی گنجکاوانه به انسان دست می‌دهد تا به علل و اسباب وقوع حوادث تلخ و شیرین گذشتگان پی برد و نیز با تطبیق آن با روش و رفتار خود، پند گرفته، آموزش یابد، پس اگر ارشاد و پندآموزی همراه با شواهد زنده و واقعی باشد، اثری نافذتر و مؤثرتر خواهد گذاشت.

امام فخر رازی در توضیح فایده‌های داستان پیامبران در قرآن می‌نگارد: «خداوند سبحان چون خواست در استوار کردن دلایل انکارناپذیر و حجت‌های قاطع و رد شبهات، کار را به نهایت برساند، آن را با یادکرد احوال امت‌های گذشته و موضع‌گیری آنان در برابر پیامبران همراه ساخت؛ چرا که اگر سخن در تقریر مطلبی طولانی شود، ملال‌آور خواهد بود، اما اگر چند شیوه بیان به کار گرفته شود، طراوت سخن افزون می‌شود و شنونده به نشاط خواهد آمد». (معرفت، ۱۳۸۷: ۱۶)

در فرهنگ‌های لغت، قصه در مفهوم به معنای پی‌گرفتن موضوعی تعبیر شده‌است. در تعریف نیز قصه کلامی است که از ماجرای خبر می‌دهد تا پی گرفته شود. قصه در ادبیات نوین، هنری است که دارای ویژگی، سبک، ابعاد، ساختار و عناصر خاصی است که آن را از ذکر تاریخ و حکایت گذشتگان متمایز می‌سازد. شاید بارزترین وجه تمایز

قصه از دیگر حکایت‌ها را بتوان پی‌گیری و توالی در روایت و موضوع قصه یا به عبارت دیگر، طرح پی‌گیرانه و هدفمند ماجرا بر اساس شیوه و سبک هنری خاص به حساب آورد. از یک منظر، قصه یا داستان هنری را می‌توان به دو بخش قصه‌های ساخته بشر و قصه‌های الهی تقسیم کرد. نوع قصه‌های هنری ساخته بشر در تخیل ریشه دارند، حال آن‌که قصه‌های روایت شده از سوی خداوند، حقیقت محض و دارای اهداف متعالی هدایت و عبرت‌زایی هستند. قصه‌های نوع دوم از طریق وحی در کتب مقدس روایت شده‌اند. از آن جمله عهدین و قرآن کریم دارای قصه‌های فراوانی هستند که شرح ماجراهای متعددی در ابعاد و اشکال مختلف را در خود جای داده‌اند.

«اهمیت قصه در قرآن تا آنجاییست که نگارش، نقل و تدوین آنها از سده‌های اول صدر اسلام تا روزگار حاضر مورد توجه عالمان و مؤلفان دینی بوده‌است، به گونه‌ای که مجموعه‌های فراوانی به نام قصص قرآن یا قصص الانبیاء مانند قصص الانبیاء ابن کثیر، راوندی، جویری، نجار و یا قصص قرآن برگرفته از تفسیر سورآبادی، محمد احمد جادالمولی، شیخ محمد حمزه، احمد موسی سالم، بلاغی، محلاتی، صفی و مانند آن به رشته تحریر درآمده است.» (ملبوی، ۱۳۷۶: ۱۱)

با این وصف، درباره حدود قصه در قرآن اختلاف نظر وجود دارد. عده‌ای از قرآن‌پژوهان تنها برخی از خبرهای قرآنی را که هم عناصر هنری قصه در آنها حضور داشته و هم به صورت قابل توجهی به آنها پرداخته شده باشد، قصه قرآنی می‌دانند. عده دیگری نیز، هر ذکر خبری از اقوام پیشین را قصه قلمداد می‌کنند. این نگرش سبب تفاوت شمارش تعداد قصه‌های قرآنی در اقوال مفسران و پژوهندگان هنر در قرآن شده‌است.

باری از این موشکافی هنری در چگونگی قصه بودن خبرهای تاریخی قرآن که بگذریم، پرسش اساسی این است که آیا میان شیوه قصه‌های قرآن و قصه‌های هنری ساخته بشر، تفاوتی وجود دارد؟ این پرسش بزرگ، خود، دست‌مایه نکته‌پردازی‌های ظریف و هنرمندانه‌ای در عرصه هنر قصه‌پردازی در قرآن شده‌است. در این باره، عموم

صاحب‌نظران معتقدند با وجود آن‌که قصه‌های قرآنی با نقل وقایع تاریخی، متفاوتند ولی دارای ویژگی‌های فنی قصه هستند، فرق اساسی آنها با قصه‌های بشری، واقعی بودن قصه‌های قرآن و خیالی و تمثیلی بودن قصه‌های هنری است، گرچه قصه‌های قرآن هم از عناصر تخیل و تمثیل بهره گرفته‌اند. از سوی دیگر، قصه‌های قرآن، حکایت زندگی قهرمانان قصه نیست، بلکه حکایت زندگی است و به مخاطبان خود، ایمان، اراده، تکلیف و اعتقاد می‌بخشد و مخاطب را به تماشای انسان‌های ملکوتی می‌کشانند. این موضوع، خود، بیانی از جدالی بزرگ‌تر است که آیا اثر هنری فقط بازتاب واقعیت است یا به آن رنگ می‌بخشد و در این میانه، شیوه قرآن را بازتاب واقعیت دانسته‌اند.

موضوع دیگر، ویژگی‌های هنری قصه‌های قرآن است. قرآن در تصویرسازی هنری شخصیت‌ها، غافل‌گیری، تعلیق، تشویق، رویدادها، گفت‌وگوها، شخصیت‌محوری یا داستان‌محوری یا توازن بین این دو، انتخاب سبک دیالوگ‌ها یا روایت ماجرا، تخیل و تصویر، انواع تخیل، زمان و مکان، رابطه تصویر و تعریف، تسلسل زمانی یا شکسته شدن وحدت زمانی، پی‌رنگ^۱ و مانند آن ویژگی‌های خاصی دارد که تجزیه و تحلیل و داده‌های مربوط به هر یک از این موضوع‌ها، حجم وسیعی از این اثر را به خود اختصاص داده‌است.

پرسش دیگر درباره انواع قصه‌های قرآنی است. آیا قصه‌های قرآنی از نوع تاریخی، واقعی، تمثیلی، اسطوره‌ای، نمادین، غیبی یا ترکیبی از این‌هاست؟ وانگهی قصه‌های قرآنی از نظر پراکندگی عناصر قصه، کدام یک از انواع قصه کوتاه یا بلند، رمان، داستان کوتاه، داستانک، روایت و حکایت اخلاقی هستند؟ در این باره نیز صاحب‌نظران اختلاف نظر فراوان دارند. برخی از صاحب‌نظران مانند دکتر خولی و احمد خلف‌الله، قصه‌های قرآنی را ترکیبی از انواع تاریخی، تمثیلی، اسطوره‌ای و مانند آن به حساب می‌آورند.

برخی نیز مانند پروینی قصه‌های قرآن را داستان کوتاه و داستانک می‌دانند که از داستان کوتاه هم موجزتر است. برخی چون حسینی (ژرفا) نیز انواعی از داستان‌های بلند تا کوتاه را در قصه‌های قرآن دسته‌بندی می‌کنند.

موضوع دیگر که مورد توجه و جدال نظریه‌پردازان قصه‌های قرآنی بوده، عناصر قصه در قرآن است. برخی صاحب‌نظران مانند بستانی به طور کلی، عناصر مختلفی را برشمرده‌اند. برخی نیز مانند حسینی (ژرفا) با نگاه کانونی به نقش برخی از عناصر چون پی‌رنگ، شخصیت، رویداد و گفت‌وگو در قصه‌های قرآن، عناصر درجه دوم کم و بیش مشابهی با دیگر قصه‌های هنری به عنوان عناصر قصه‌های قرآن برشمرده‌اند. درباره شیوه‌های قصه‌گویی قرآن کریم هم آراء مختلفی بیان شده و گاه تا نه روش در این باب شمرده شده است.

ریخت‌شناسی قصه‌های قرآنی هم بحثی مفصل در کالبدشکافی هنری قصه‌های قرآن است. با این حال، موضوع مهم در این بحث، شیوه‌های تصویرسازی قرآن کریم است که برخی صاحب‌نظران، آن را مهم‌ترین عنصری می‌دانند که مفهوم هنر را تشکیل داده است. عموم صاحب‌نظران بر آنند که قرآن، در قصه‌ها، به تصویر بیش از تعریف علاقه و اهمیت نشان داده است. از سوی دیگر، زمان و مکان در قصه‌های قرآن برخلاف داستان‌های بشری اهمیت درجه اول ندارند. مکان، به اقتضای ضرورت و در حداقل طرح قرار دارد. عنصر زمان نیز بیشتر زمان ذهنی است یا به ضرورت موضوع در قصه‌های قرآن حضور دارد.

قرآن از میانه، انتها یا آغاز قصه، شروع می‌کند و بر حسب نیاز، عناصر قصه را به کار می‌گیرد؛ چه آن‌که در قصه‌های قرآن، توجه اصلی به بُعد هدایتی آنهاست، نه جزئیات قصه. از سوی دیگر، قصه‌های قرآنی، واقع‌گرا و کاملاً صادق هستند و از ذهنیت صرف بشری نیز پیراسته‌اند. مجموعه این وضعیت نشان‌دهنده موقعیت ممتاز و انحصاری قصه‌های قرآن کریم است که نیازمند کاوش جداگانه در ابعاد مختلف هنری آن است. به عبارت روشن‌تر، قصه‌های قرآن در عین آن‌که از ویژگی‌های فنی قصه به طور کامل برخوردارند، به پندار نگارنده، از ساختار و الگوی ویژه خود نیز برخوردارند و چنین نمونه‌ای در منابع موجود به خوبی ساخته و پرداخته نشده است. یعنی، قصه‌های قرآن ساختار روایتی خاصی در میان انواع هنری قصه دارند که می‌توان از آن به روایت

قرآنی قصه یاد کرد و تا زمانی که مدل نظری این ساختار ویژه ترسیم نشود، بررسی ساخت روایت قصه‌های قرآن، عاریتی و ناکامل خواهد بود. اثر حاضر با بهره‌گیری از منابع و آثار موجود در این راستا، برآن است تا ساختار روایت قصه‌های قرآن مجید را در یک مدل نظری طراحی کند و به عنوان نمونه موردی، آن را بر روی قصه اصحاب کهف بیازماید.